

به نام پروردگاریکتا

## تعامل حوزه علمی با رشته‌های علوم انسانی

از مجموعه پروژه‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی»

عبدالمجید مبلغی

(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### تعامل حوزه علمی با رشته‌های علوم انسانی

مؤلف: عبدالمجید مبلغی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار: منا رجبیه‌فرد

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: مبلغی، عبدالمجید، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: تعامل حوزه علمی با رشته‌های علوم انسانی / عبدالمجید مبلغی؛  
ویراستار: منا رجبیه‌فرد.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۴۵ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-622-6304-80-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۳۷] - ۲۴۵.

موضوع: حوزه و دانشگاه -- تاریخ

موضوع: Theological seminary and University - History

موضوع: حوزه‌های علمی -- ایران -- هدف‌ها و نقش‌ها

موضوع: \*Aims and objectives -- Iran -- Islamic theological seminaries

موضوع: دین و علوم انسانی -- موضوع: Religion and the humanities

موضوع: دین پژوهی -- موضوع: Religion - Research

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: BP۷/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۲۹۴۷

وضعیت رکورد: فیبا

## فهرست

سخن پژوهشگاه.....	۷
مقدمه.....	۱۳
نخست: اهداف و مفاهیم مرکزی پژوهش.....	۱۳
دوم: دامنه و روش پژوهش.....	۱۶
سوم: نسبت پژوهش با ادبیات موجود.....	۱۹
چهارم: ساختار صوری و محتوایی پژوهش.....	۲۳
<b>فصل اول: مطالعه تاریخی و جامعه‌شناختی تعامل حوزه و دانشگاه</b>	
بخش نخست: تأسیس نهاد دانشگاه به‌مثابه بستر علوم‌انسانی در ایران.....	۲۸
بخش دوم: رویکرد فردمحور پیش از انقلاب اسلامی؛ تلاش چهره‌ها برای	
ارتباط «مطالعات و معارف دینی» و «علوم‌انسانی».....	۳۳
پاره اول: افق‌گشایان و دل‌مشغولان تجدد (از دارالفنون تا دانشگاه تهران).....	۳۴
پاره دوم: آکادمیسین‌های حوزوی.....	۳۶
پاره سوم: رسالت‌گرایان تحول‌خواه.....	۴۱
بخش سوم: رویکرد نهادمحور پس از انقلاب اسلامی؛ شکل‌گیری نهادهای	
واسطه‌ای میان حوزه و دانشگاه جهت پیوند ساختاری حوزه و دانشگاه.....	۴۹
پاره اول: قشرشناسی حوزه پس از انقلاب اسلامی.....	۵۳
پاره دوم: نهادهای واسطه‌ای میان حوزه و دانشگاه پس از انقلاب.....	۶۸
<b>فصل دوم: مطالعه اندیشه‌ای و معرفت‌شناختی تعامل حوزه و دانشگاه</b>	
بخش نخست: زمینه‌شناسی معرفتی تعامل میان «علوم‌انسانی» و «مطالعات و	
معارف دینی» با توجه به تاریخ متفاوت آن.....	۷۷

#### ۴ تعامل حوزه علمی با رشته‌های علوم انسانی

- بخش دوم: تفاوت معرفت‌شناختی «علوم انسانی» و «مطالعات و معارف دینی»  
در مراجعه به مفهوم خدا..... ۸۱
- بخش سوم: تفاوت معرفت‌شناختی «علوم انسانی» و «مطالعات و معارف دینی»  
در مراجعه به مفهوم علم..... ۸۶
- بخش چهارم: نظام های آگاهی متفاوت «علوم انسانی» و «مطالعات و معارف  
دینی» ..... ۹۰
- بخش پنجم: امکان تعامل میان «علوم انسانی» و «مطالعات و معارف دینی» ذیل  
پیشنهادی تازه ..... ۹۶

#### فصل سوم: دین پژوهی و افق تعامل حوزه و دانشگاه

- بخش اول: تعریف اجمالی دین پژوهی ..... ۱۱۱
- بخش دوم: بازخوانی معارف حوزوی و علوم انسانی با هدف تعامل ..... ۱۱۳
- پاره اول: بازخوانی آسیب شناسانه ..... ۱۱۴
- پاره دوم: بازخوانی تطور پژوهانه ..... ۱۲۱
- پاره سوم: بازخوانی وجوه عملگرایانه ..... ۱۲۶
- پاره چهارم: بازخوانی پدیدارشناسانه ..... ۱۲۹
- پاره پنجم: بازخوانی انضمامی ..... ۱۳۴
- پاره ششم: بازخوانی روش شناسانه ..... ۱۳۶
- پاره هفتم: بازخوانی انتقادی ..... ۱۴۱
- پاره هشتم: بازخوانی الگوبردارانه ..... ۱۴۶
- بخش سوم: بازآفرینی معارف حوزوی و علوم انسانی با هدف تعامل ..... ۱۵۱
- پاره اول: بازآفرینی نظام موضوعات ..... ۱۵۱
- پاره دوم: بازآفرینی بر اساس روش شناسی و روش تحقیق ..... ۱۵۴
- پاره سوم: بازآفرینی ساختار رشته‌ها و نظام تبویب ..... ۱۶۳
- پاره چهارم: بازآفرینی بر اساس گسترش ابعاد ..... ۱۶۵
- پاره پنجم: بازآفرینی نظام آموزشی ..... ۱۶۹
- پاره ششم: بازآفرینی نظام پژوهشی ..... ۱۷۳
- پاره هفتم: بازآفرینی شبکه اطلاعات علمی ..... ۱۷۵

## فهرست ۵

۱۸۷.....	پاره هشتم: بازآفرینی علم سنجانه و متکی بر آینده پژوهی
۱۸۸.....	پاره نهم: بازآفرینی بومی اندیشانه .....
۱۹۶.....	بخش چهارم: نوآوری در دین پژوهی.....
۱۹۷.....	پاره اول: معنای تعقیب نوآوری در دین پژوهی.....
۱۹۹.....	پاره دوم: شرایط نوآوری در دین پژوهی .....
۲۰۴.....	پاره سوم: سطوح نوآوری در دین پژوهی .....
۲۰۹.....	پاره چهارم: مرزهای نوآوری در عرصه دین پژوهی .....
۲۱۵.....	پاره پنجم: به سوی شناسایی کارکرد نوآوری در دین پژوهی.....
۲۱۹.....	نتیجه گیری .....
۲۳۷.....	منابع .....



## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه

مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها

در ایران نظر افکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و

تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران

در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

## ۸ تعامل حوزه علمی با رشته‌های علوم انسانی

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.



## سخن پژوهشگاه ۹

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانته علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی‌توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب

آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

#### حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور



## مقدمه

دییاجه کتاب شامل چند نکته مقدماتی است؛ نکاتی که هدف پژوهش، دامنه و روش انجام آن، نسبت پژوهش با تلاش‌های انجام‌گرفته و مسیرهای طی‌شده، و ساختار صورتی پژوهش را توضیح می‌دهند. هدف آن است که، در پی مطالعه مقدمه، درکی مقدماتی و اجمالی از مباحث کتاب برای خوانندگان حاصل آید و زمینه مراجعه به فصول سه‌گانه آن فراهم شود.

### نخست: اهداف و مفاهیم مرکزی پژوهش

این پژوهش به بررسی و تحلیل تاریخی تعامل میان «علوم‌انسانی»، که عمدتاً در دانشگاه‌ها پرورده است، با «مطالعات و معارف دینی»، که بخش سترگ و مهمی از آن به‌لحاظ تاریخی محصول حوزه‌های علمیه است، می‌پردازد. نوشتار تعامل را در سه سطح پیوستار پی می‌جوید: ابتدا، می‌کوشد درکی تاریخی از نسبت دانش‌های حوزوی و علوم‌انسانی حاصل آورد و در پرتو این درک تاریخی و بر اساس مراجعه به واقعیت‌های بیرونی به توضیحی نهادشناسانه از محدودیت‌ها و امکانات مؤثر در تعامل میان این دو بستر آگاهی دست یابد. این تحلیل تاریخی نهادگرا از تلاش‌های تحقق‌یافته برای ایجاد ارتباط میان دو سامانه فکری حوزه و دانشگاه دستمایه مباحث فصول بعدی نوشتار می‌شود. در گام بعدی، کتاب به دشواری‌های اندیشه‌ای پیش روی تعامل می‌پردازد و بر پایه توضیحی که از تنگناهای معرفت‌شناختی جهت حرکت متعاملانه ارائه می‌دهد به طرح پیشنهادی معرفتی می‌پردازد که به

باور نویسنده حاوی امکانی نهفته در رویکرد به تعامل میان این دو است و مستعد کاهش نظام‌مند دشواری‌های معرفت‌شناختی پیش روی تعامل است. این پیشنهاد معرفت‌شناختی در پیوند با درک ویژه‌ای است که از نحوه رویکرد به مفاهیم مرکزی «خدا» و «علم» در نظام‌های آگاهی «علوم انسانی» و «مطالعات و معارف دینی» طی پژوهش عرضه می‌شود. نهایتاً، در نگاه به افق‌های پیش روی تعامل در صحنه عمل و حوزه کنش‌ورزی علمی، کتاب خطوط گفتمانی را ترسیم می‌نماید که مجموعه‌ای از تأملات اندیشه‌ای و روش‌شناختی ضروری را جهت گام برداشتن در مسیر عملی تعامل پیش می‌کشد. به باور نویسنده این گفتمان تا حد قابل توجهی به کار کنش مبتنی بر تعامل می‌آید و راه‌های مشخصی را پیش روی تعامل می‌گشاید. این گفتمان که نشان‌دهنده درکی بینا-ذهنیتی از نگرش‌ها، ایده‌پردازان‌ها، شگردها و کنش‌های فکری منجر به تعامل است ذیل دیسپلین «دین‌پژوهی» (بر اساس تعریفی که از این مفهوم نوشتار به دست می‌دهد) طرح می‌شود. پیش از ورود به مباحث اصلی کتاب ضروری است تا تعریف خود را از دو عرصه مورد بحث در این پژوهش، یعنی حوزه‌های علمیه و علوم انسانی در دانشگاه‌ها، بیان داریم:

**حوزه‌های علمیه:** مراکز آموزشی، پژوهشی و تبلیغی میان شیعیان هستند که هدف آن‌ها تربیت روحانیان بر اساس آموزش دانش‌های اسلامی، عمدتاً با محوریت فقه و اصول فقه، است. تبار حوزه‌های علمیه شیعه به مدارس صادقین (ع) در مدینه و سپس حوزه‌های علمیه بغداد، نجف، حله، جبل عامل، اصفهان و دوباره نجف برمی‌گردد و امروزه مهم‌ترین حوزه علمیه شیعه در قم قرار دارد. این حوزه را آیت‌الله حائری یزدی (۱۳۱۵-۱۳۳۸)، در سال ۱۳۰۱ هجری خورشیدی بنیان نهاد. همچنان که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد رقابت برای اعتبار بیشتر میان

حوزه‌های علمیه قم و نجف از همان زمان که حوزه قم شکل گرفت وجود داشته است.<sup>۱</sup> پس از آیت‌الله حائری، که معروف به آیت‌الله مؤسس نیز بود، این حوزه علمیه ذیل اقتدار شخصیت‌هایی چون آیات حجت (۱۳۷۲ ق-۱۳۱۰ ق)، خوانساری (۱۳۳۱-۱۲۶۷) و صدر (۱۳۷۳ ق-۱۲۹۹ ق) تا عهد آیت‌الله بروجردی (۱۳۴۰-۱۲۵۴) ادامه حیات داد. در نهایت این حوزه با زعامت آیت‌الله بروجردی جایگاهی تثبیت‌شده در جهان شیعه یافت و به‌مثابه یکی از دو مرکز اصلی شیعه، در کنار نجف، اهمیتی طراز نخست پیدا نمود؛ به‌رغم آن‌که پس از فوت آیت‌الله بروجردی این بیم وجود داشت که حوزه علمیه قم جایگاه پیشین خود را از دست دهد. مرکزیت این حوزه تا پیروزی انقلاب اسلامی و سپس در قامت مهم‌ترین حوزه علمیه شیعی پس از انقلاب اسلامی ادامه یافت. در واقع اهمیت‌یابی حوزه علمیه قم، طی دهه‌های اخیر، با کاهش اهمیت حوزه علمیه نجف همراه بود. البته در توضیح وضعیت نجف طی دهه‌های اخیر باید علاوه بر عوامل مؤثر در اهمیت‌یابی قم به عوامل مؤثر در کاهش اهمیت این شهر نیز مانند ماهیت دیکتاتوری حکومت (سابق) عراق، جنگ با ایران، قیام و سرکوب حوزویان و ... توجه نمود.<sup>۳</sup>

رشته‌های علوم انسانی: به‌رغم وجود نزاعی نظری و دامنه‌دار در تقریر سرشت علوم انسانی،<sup>۴</sup> می‌توان این علوم را مجموعه‌ای از تأملات نظری

1. Linda S. Walbridge; *The Most Learned of the Shi'a: The Institution of the Marja' Taqlid*; p. 220-221.

۲. بی‌نام؛ قم و حوزه علمیه؛ ش ۸، ۷۱.

3. Vali Nasr; *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*; p. 218.

4. Robert E. Proctor; *Defining the Humanities: How Rediscovering a Tradition Can Improve Our Schools: with a Curriculum for Today's Students*; p. xxiii- xxviii.

دانست که دل‌مشغولی کانونی آن‌ها شناسایی، مطالعه، طبقه‌بندی، و احیاناً پیش‌بینی موقعیت‌ها، حالات، شئون و رفتارهای انسانی یا مرتبط با انسان است و در سطوح واحد تحلیلی خردنگر (فردی) یا کلان‌نگر (فرافردی) مانند خانواده یا اجتماع) این مهم را دنبال می‌کنند. براین اساس علوم انسانی با مطالعه رفتار انسان به‌مثابه موقعیتی مستقل معنا می‌یابد. تبار علوم انسانی مدرن، در معنای مصطلح آن، به تحولات پس از جنبش نوزایی (رنسانس) و اصلاحات دینی در اروپای قرون پانزدهم، شانزدهم و بعد از آن می‌رسد.<sup>۱</sup>

### دوم: دامنه و روش پژوهش

تمرکز این پژوهش به لحاظ زمانی به زمان تأسیس نظام دانشگاهی جدید در ایران از ۱۳۱۳ تا به امروز و به لحاظ مکانی به تعاملات حوزه و دانشگاه در محدوده سرزمینی ایران معاصر است. در عین حال جهت تبارشناسی تحولات منجر به تعامل میان حوزه و دانشگاه، به عهد قاجار (وضعیت حوزه‌های علمی در این عهد و نیز شرایط منجر به تأسیس دارالفنون به‌عنوان نخستین مرکز علمی کمابیش دانشگاهی) نیز می‌پردازد. در این مطالعه از رویکرد تحلیلی استفاده می‌شود. براین اساس پایبندی به اسناد و مدارک تاریخی، توجه به زمان و مکان وقوع رخدادها، برقراری روابط علت-معلولی میان اندیشه‌ها، توضیح تبارشناسانه مفاهیم و اصل بی‌طرفی مدنظر قرار می‌گیرد. تلاش پژوهش آن است تا ذیل رویکردی از این دست داده‌های صحیح را از سقیم بازشناسد و ضمن پیوند دادن آن‌ها با یکدیگر از یک سوی معرفت تاریخی موردنیاز را عرضه دارد و از سوی دیگر امکان فهم تحولات پیش روی و بسترهای جدید را فراهم آورد.

1. C. B. Schmitt, Quentin Skinner, Eckhard Kessler, and Jill Kraye (eds.); *The Cambridge History of Renaissance Philosophy*; p. 113-114.



جهت گیری پژوهش در رویکرد روش‌شناختی تحلیلی - تاریخی هم جامعه‌شناختی است و هم اندیشه‌ای؛ بدین صورت که بخش‌های نخستین پژوهش جنبه جامعه‌شناختی و نهاد‌پژوهانه دارد. در این مباحث تلاش شده است تا، بر اساس مطالعه‌ای معطوف به امر بیرونی تاریخی، درکی از روندها و رویه‌های معطوف به تعامل میان حوزه و دانشگاه با لحاظ نقش کارگزاران مختلف دخیل در پیشبرد این تحولات به‌دست آید. بخش‌های میانی این پژوهش ماهیتی اندیشه‌ای و معرفتی دارد. در این مجال کوشش شده است محدودیت‌ها و امکانات پیش روی دانش حوزوی و علوم‌انسانی از منظر تحلیلی اندیشه‌ای به بحث گذاشته شود و بستر فکری منجر به تعامل میان علوم‌انسانی و مطالعات و معارف دینی، ذیل ارائه پیشنهادی معرفت‌شناختی، مشخص شود. پیش از ارائه این پیشنهاد معرفت‌شناختی محدودیت‌های منجر به تعامل به شیوه‌ای آسیب‌شناسانه به بحث گذاشته می‌شود. سرانجام کاربرد تحلیل در ارائه راهکارهای تجویزی و افق‌گشایانه مدنظر قرار گرفته است و کتاب به ارائه گفتمانی معطوف به کنش‌ورزی علمی در مسیر تعامل پرداخته و مجموعه‌ای از مناسبات فکری و روش‌شناختی منجر به گسترش و تعمیق تعامل را پیشنهاد می‌دهد. به ادعای نوشتار این گفتمان می‌تواند به صورت نسبی گره از ارتباط مطالعات و معارف دینی عمده‌تاً حوزوی و علوم‌انسانی عمده‌تاً دانشگاهی بازگشاید و راهی به سمت تعامل مؤثر و واقعی میان این دو بگشاید.

در توضیح دلایل این تنوع در رویکرد پژوهش به عرصه‌های جامعه‌شناختی - نهاد‌شناختی، اندیشه‌ای - معرفت‌شناختی و تجویزی - افق‌گشایانه باید به سرشت پیچیده و چندوجهی مطالعه پیش روی اشاره کرد. این پژوهش از یک سوی معطوف به فهم و شناسایی ابعاد مسئله‌ای تاریخی است و به پدیداری نهادی تازه (دانشکده‌های علوم‌انسانی در

دانشگاه‌ها)، و به یک معنا رقیب، در کنار نهادی دیرپای و قدیمی (مدارس علوم قدیمه دینی و حوزه‌های علمیه) می‌پردازد و از سوی دیگر، دربردارنده جوانب مهم فلسفه علمی و معرفت‌شناختی است و مشخصاً دل‌مشغول مطالعه نحوه بروز و ظهور یک نظام آگاهی تازه، ذیل عنوان فراگیر علوم انسانی، در مقابل یک نظام آگاهی دیرین و سنتی، که در قالب علوم قدیمه و دانش‌های حوزوی سامان یافته بود، می‌باشد. به این ترتیب مسئله هم دارای بعدی جامعه‌شناختی و مرتبط با نهادها و هم حایز جنبه‌ای اندیشه‌ای و مرتبط با چند و چون بروز آگاهی است. فراتر از این دو ملاحظه، مطالعه تعامل میان این دو نهاد حامل نظام‌های معرفت‌شناختی نمی‌تواند پروژه‌ای صرفاً توصیف‌گرانه باقی بماند و باید راهی به سمت توضیح مراتب موثر در ارتقاء تعامل به شیوه‌ای تجویزگرانه نیز بگشاید. از این روی در پایان کتاب پیشنهادی معرفت‌شناختی را برای تعامل عرضه می‌دارد و خطوط گفتمان و بینا-ذهنیتی را ترسیم می‌کند که می‌تواند به گسترش تعامل بینجامد. وجهه همت تلاش‌هایی از این دست در پژوهش، شناسایی امکان‌های تازه در مسیر تعامل و عرضه راهکارهایی برای ارتقا هم‌فکری و هم‌اندیشی میان معارف دینی حوزوی و علوم انسانی دانشگاهی است. در واقع در امتداد رویکرد تحلیلی پژوهش‌گویی مطالعه‌ای تجویزگرانه و رهیافتی افق‌گشایانه است؛ مطالعه‌ای که می‌کوشد، ضمن ارائه پیشنهادهایی در عرصه خطیر فلسفه علم، درکی از آنچه باید انجام دهیم و مسیری که لازم است بپیمایم به دست دهد.

سطوح چندگانه مطالعه به پیچیدگی پژوهش و متعاقب آن به ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای متفاوت طی آن افزوده است. به این ترتیب سطوح گوناگون پژوهش به کار گرفتن رویکردی تلفیقی را می‌طلبد. حاصل آن که چندوجهی بودن این پژوهش تابعی است از

ماهیت پیچیده حوزه مطالعه و پاسخی است به انتظار معتبری که مخاطب از این پژوهش برای فهم، طبقه‌بندی، ایجاد ارتباط میان مباحث مطرح در این حوزه نظری، ایضاح جوانب مختلف آن و عرضه طرحی برای ارتقاء مراتب تعامل در ذهن دارد.

### سوم: نسبت پژوهش با ادبیات موجود

تعامل میان دانش‌های حوزوی و علوم انسانی از مناظر مختلف و ضمن بحث‌های گوناگون مطالعه شده است. هرچند دسته‌بندی کاملاً دقیق این آثار ممکن نیست، ولی ای‌بسا بتوان از چهار سطح از آثار نام برد که به نوعی در بسط ادبیات مرتبط با این پژوهش به صورت جدی‌تری نقش آفرین بوده‌اند:

سطح نخست، آثاری هستند که به ساختارها و نظامات ناشی از آن‌ها در حوزه و دانشگاه توجه نموده‌اند و کوشیده‌اند تا نشان دهند تعامل میان حوزه و دانشگاه ذیل کدام ابعاد ساختاری و نهادین تحقق‌پذیر می‌شود. برخی از این کتب، ضمن تبارشناسی رابطه حوزه و دانشگاه، عمدتاً عوامل ساختاری و نهادین را در ارتباط با این مهم مطالعه نموده‌اند<sup>۱</sup> و گروهی دیگر به مسئله‌شناسی حضور روحانیت در عصر جدید و نسبت آن با سیاست و نیز دانشگاه پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> در نقد این گروه از آثار از چشم انداز این پژوهش باید به عدم توجه به مبانی نظری و فلسفی در آن‌ها اشاره نمود. همچنین باید یادآور شد که دغدغه این آثار عمدتاً معطوف به بازنمایی و واکاوی مباحثی ویژه بوده است و تعامل میان حوزه و دانشگاه به مثابه عرصه‌های تولید و اشاعه آگاهی لزوماً و معمولاً مورد توجه کانونی و نقطه ثقل مطالعاتی آن‌ها قرار نگرفته است.

۱. نک: علیرضا اعرافی؛ وحدت حوزه و دانشگاه.

۲. نک: عبدالوهاب فراتی؛ روحانیت و سیاست.

سطح دوم، از آثاری شکل گرفته است که از منظر اندیشه‌ای به سطوح دانش‌ورزی و تأمل در ساحت‌های قدیم و جدید پرداخته‌اند و کوشیده‌اند منطق فکری مؤثر در فرایندهایی نظیر توسعه دانش و بسط تأمل در عرصه‌های دینی و انسانی را شناسایی نمایند و به بحث گذارند. مجموعه متنوعی از کتب و مطالعات دغدغه‌هایی از این دست را بسط داده‌اند. گروهی از این آثار منطق توسعه در ایران را بر اساس وضعیت آموزشی کشور پژوهیده‌اند؛<sup>۱</sup> برخی دیگر تطور دانش حوزوی به علوم دانشگاهی را در اندیشه غربیان دنبال کرده‌اند و نحوه تحول تأملات اندیشه‌ورزانه مغرب‌زمین از ایده‌های کلیسایی سده‌های دهم تا سیزدهم و سپس به نهضت رنسانس را به بحث نهاده‌اند؛<sup>۲</sup> برخی دیگر منطق حاکم بر شکل‌گیری آگاهی در ایران معاصر را از منظر فرهنگ سیاسی بررسی کرده‌اند؛<sup>۳</sup> و نهایتاً گروهی نیز جریان دانش‌ورزی در عهد اسلام میانه را در مقایسه با دانش جدید مسلمانان به پژوهش نهاده‌اند.<sup>۴</sup> در نقد این گروه از آثار، از منظر دغدغه این پژوهش در بررسی تعامل دانش‌های حوزوی با علوم انسانی جدید، باید اولاً به یک سویه بودن رویکرد اندیشه‌ای در فهم آگاهی مطرح در هریک از دو کانون معارف دینی با تبار حوزوی و علوم انسانی با خاستگاه دانشگاهی اشاره نمود و ثانیاً یادآور این نکته مهم شد که ورود این آثار به عرصه دانش حوزوی و دانشگاهی عمدتاً بر اساس دلمشغولی‌هایی مانند تبارشناسی توسعه در ایران یا بررسی دلایل سیر تحول دانش در کشور بوده است و از این روی حاصل کار آن‌ها نیز درک مؤثر و جامعی از منطق تعامل میان حوزه و

۱. نک: مهدی نصیری؛ نقش نظام آموزشی در توسعه ایران.

۲. نک: سید جواد طباطبایی؛ جدال قدیم و جدید.

۳. نک: نجف لک‌زایی؛ تاریخ فرهنگ سیاسی ایران معاصر.

۴. نک: داوود فیرحی؛ قدرت، دانش مشروعیت در اسلام.